

تحلیلی از تاثیر شهادت فرمانده نیروی قدس بر نظم منطقه‌ای و جهانی

مهم‌ترین ژنرال قرن



ناصر هادیان

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

ترور شهید سلیمانی در سیاست منطقه‌ای و محور مقاومت تأثیری نخواهد داشت، چرا که سیاست‌های منطقه‌ای نه توسط یک فرد که از سوی نظام تعیین و تبیین می‌شود. سردار قآنی هم که در حال حاضر مسئولیت نیروی قدس را برعهده دارد، تفاوتی با سردار سلیمانی ندارد، پس سیاست‌های نظام در منطقه تغییری نخواهد کرد.

۹ شأن واقعی و نمادین سردار سلیمانی

از نظر من سردار سلیمانی دارای دو شأن «واقعی» و «نمادین» بودند. در سال‌های جنگ تحمیلی ایشان جزء حلقه ۱۰ نفره نخست فرماندهان ما نبودند و در اواخر دهه دوم انقلاب کشف شدند. او از حلقه ۱۰۰ نفره فرماندهان بود که به سمت فرماندهی نیروی قدس منصوب شد و به مرور مهارت‌های فرماندهی و دانشش افزایش پیدا کرد و فرمانده بسیار موثری شد. این شأن واقعی ایشان است ولی باید دقت کنیم که خیلی اغراق نکنیم. قطعاً فرماندهان رده دوم، سوم و چهارم با ایشان فاصله دارند پرسدنی نیست. به عنوان نمونه سردار قآنی، سالیان سال در نیروی قدس معاون ایشان بود. این بخش سپاه، چند هزار نیرو دارد. این تعداد نیرو را که سردار سلیمانی به تنهایی مدیریت نکرده است. نیروی قدس، ساختار، سازمان و چندین معاونت دارد که سردار سلیمانی در راس آن قرار داشت. بنابراین نفر دوم و قائم مقام ایشان هم نباید خیلی در مدیریت این سازمان با فرمانده اصلی فاصله داشته باشد. درباره شأن «نمادین» سردار سلیمانی هم باید بگویم ایشان به ویژه در ۱۰ سال گذشته کاربزمای خاصی داشت و این کاربزمای را ایجاد شأن نمادین او موثر بود. علاوه بر ایران، در منطقه هم او یک شأن و وجه اسطوره‌ای پیدا کرد.

۹ بازدارندگی نامتقارن منطقه‌ای ایران پس از سلیمانی

معتمد به شهادت سردار سلیمانی، بازدارندگی ایران در منطقه تفاوتی نکرد. این بازدارندگی بنیادهایی دارد و قائم به یک شخص نبوده است. ما در طول سال‌ها ظرفیت‌سازی‌هایی کردیم و توانستیم در مقابل آمریکا «بازدارندگی نامتقارن» ایجاد کنیم. در این ظرفیت‌سازی، خود شهید سلیمانی به عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه خیلی موثر بود. الان این ظرفیت‌ها سر جای خودش است، یعنی موشک‌ها و راکت‌های حزب الله لبنان، حشد الشعبی عراق و نیروهای ما در سوریه سر جای خود هستند و عملاً برای بازدارندگی ما اتفاق خاصی رخ نداده است.

۹ منطق عمق استراتژیک جمهوری اسلامی

ما براساس دریافت تهدید، «عمق استراتژیک» خود را تعیین کردیم. عمق استراتژیک بی حساب تعیین نمی‌شود که بگوییم عمق استراتژیک ما تا فلان جاست. عمق استراتژیک، مخصوصاً زمانی که کارکرد دفاعی داشته باشد، براساس «تهدید» تعیین می‌شود. بر پایه این خاصیت دفاعی، عمق استراتژیک ایران، لبنان و سوریه است. در طبقه‌بندی تهدیدات ایران، به ترتیب از «آمریکا»، «رژیم صهیونیستی»، «هرج و مرج منطقه‌ای» از جمله تروریسم، «نظم جهانی» و با فاصله زیاد از «عربستان سعودی» سخن می‌گوییم. براساس این تهدیدات، عمق استراتژیک کشورمان تا سوریه و لبنان تعیین می‌شود. اگر قرار است بازدارندگی ایجاد کنیم، بنابراین حضور ما در سوریه یا لبنان تدافعی و برای بازدارندگی است. یک منبع اصلی بازدارندگی ما به جز موشک‌هایمان، موشک‌ها و راکت‌های حزب الله و نیروهای طرفدار ما در سوریه هستند. مجموع اینها می‌تواند موجب تردید دشمن در حمله به ایران شود.

۹ ارتش چندملیتی منحصر به فرد

در این بازدارندگی، ما توانستیم یک ارتش چندملیتی درست کنیم. ایران، آرایش نظامی خاصی را در مقیاس یک ارتش چندملیتی ایجاد کرده است. این ارتش چندملیتی بسیار مساله مهمی است. من هیچ

جزء طرفداران «پاسخ نرم» بودم ولی بعد از دیدن تبعات این کار، دیدم بازدارندگی به وجود آمد.

سومین مساله بعد سیاسی است. از نظر سیاسی روایت ما برای «انتقام سخت» غالب نشد و ما در عرصه سیاسی موفق نبودیم. یعنی این روایت در دنیا، منطقه و خود ایران روایت غالب نشد. در عرصه جنگ روایت‌ها، اگر ما صد کار دیگر هم می‌کردیم، ممکن بود شکست بخوریم. در جنگ روایت‌ها، باید امکانات رقیب را در نظر داشت. رقیب، دنیا را در دست دارد و راحت‌تر می‌تواند به جنگ روایت ما بیاورد و بر ما غلبه کند. در عرصه سیاست، سوال این نیست که ما چه کردیم و چه چیزی اضافه کردیم، سوال این است که در روایتگری باید چه می‌کردیم؟ در عرصه روایتگری «انتقام سخت»، ما خوب عمل نکردیم. باید این سه عرصه را جدا کرد.

۹ سردار سرباز

سردار سلیمانی یک سرباز بود و هرگز لباس سربازی از تن بیرون نیاورد. خیلی از فرماندهان قبل از او وسوسه شدند یا لباس سربازی را درآوردند و وارد سیاست، اقتصاد و عرصه‌های دیگر شدند. شهید سلیمانی علی‌رغم اینکه محبوبیت داشت و مشهور بود، اما وسوسه نشد تا وارد عرصه‌های دیگر شود. به سربازی خود وفادار بود و تا لحظه آخر به آن افتخار می‌کرد. جمعیت میلیونی به این دلیل برای بدرقه او آمد که سردار، یک سرباز بود. او برای هدف دیگری کار نمی‌کرد و وصیت کرد روی قبرش بنویسند «سرباز قاسم سلیمانی».

۹ مهم‌ترین ژنرال قرن

با کاری که این شهید بزرگ انجام داد باید گفت اگر در قرن بیستم از ۵-۶ ژنرال به عنوان بهترین ژنرال‌های قرن بیستم یاد می‌شود، تردید نباید کرد که شهید سلیمانی مهم‌ترین ژنرال قرن ۲۱ بوده است. این موضوع برای کشوری که در حد و اندازه ماست، خیلی مهم است که بتواند ژنرالی را خلق کند که مهم‌ترین ژنرال ۲۰ سال اول قرن شود.

۹ نماد مقاومت و مبارزه با تروریسم و استکبار

در قرن بیستم چگوارا مهم‌ترین چهره مقاومت لقب گرفت و نماد مبارزه با استکبار بود و هرکسی تمایل داشت خود را به نحوی با آن شناسایی کند. حالا در قرن ۲۱ سردار سلیمانی باید نماد مبارزه با تروریسم و استکبار باشد. جوانان علی‌رغم هر گرایشی که دارند باید روی این مساله کار کنند. من اصلاح طلب هستم و سابقه من را همه می‌دانند ولی با این حال برای من سلیمانی، یک سرباز ملی است. یک چهره سیاسی این خط و آن خط نیست. باید روی این کار شود که شهید سلیمانی مهم‌ترین چهره‌ای است که در ۲۰ سال اول این قرن به عنوان نماد مقاومت و مبارزه با تروریسم و استکبار فعالیت کرده است.

کشوری را به یاد ندارم که قادر بوده باشد ارتش چندملیتی با فرماندهی واحد ایجاد کند. در جنگ عراق یا آزادسازی کویت، ارتش‌ها به صورت ائتلافی حضور داشتند ولی ارتش واحد نبودند و ائتلافی از ارتش‌های مختلف بودند. ایران در مدل بازدارندگی‌اش توانست برای اولین بار یک ارتش واحد چندملیتی درست کند.

۹ چرا آمریکا سردار سلیمانی را ترور کرد؟

آمریکا که بازدارندگی‌اش آسیب دیده بود، برای بازسازی این بازدارندگی، سردار سلیمانی را ترور کرد. چرا آمریکا که قبلاً می‌توانست سردار را ترور کند، این کار را انجام نداد و الان این جنایت را مرتکب شد؟ به دلیل اینکه الان بازدارندگی‌اش دچار خدشه جدی شد. حملات ما در خلیج فارس، اسقاط پهپاد آمریکا، حوادث آرامکو... موجب خدشه به بازدارندگی آمریکا شد. آمریکا باید کاری می‌کرد که این بازدارندگی دوباره بازگردد. ترور شهید سلیمانی این هدف را دنبال می‌کرد. برای آمریکا مهم‌ترین هدف غیر از اثرگذاری بر استیضاح، تضعیف نیروهای محصور مقاومت و تقویت موثلفین آمریکا بود. بلافاصله بعد از اقدامات ایران، عربستان و امارات خواستند ارتباط دیگری با ما برقرار کنند. آمریکا این ترور را انجام داد تا به لحاظ استراتژیک نشان دهد آماده جنگ است. ترور شهید سلیمانی به معنی آمادگی برای جنگ بود. به لحاظ نظامی ترور شهید سلیمانی کار مهمی نبود زیرا آمریکا اطلاعات او را داشت و با پهپاد یا موشک می‌توانست این کار را انجام دهد. حتی در افکار عمومی و به لحاظ سیاسی روایتی که آنها بیان کردند که سردار سلیمانی تروریست است و دستش به خون آلوده بود، مقبول واقع نشد. حتی موثلفین آمریکا هم این روایت را نخریدند و می‌گفتند این اقدام ایالات متحده ماجراجویانه بود. پس در عرصه سیاسی این کار آمریکا موفق نبود.

۹ ابعاد پاسخ موشکی ایران به عین الاسد

پاسخ موشکی ایران چه اثر و معنایی داشت؟ از این جهت می‌خواهم به این مساله بپردازم که برخی می‌گویند کسی در عین الاسد کشته نشد و این اقدام، «انتقام سخت» نبود. اقدام ایران سه بُعد دارد. به لحاظ استراتژیک کافی بود یک موشک شلیک کنیم. حتی اگر موشک به کسی برخورد نمی‌کرد، شلیک موشک به معنی آمادگی جنگی بود. همانطور که آمریکا با ترور قاسم سلیمانی گفت آماده جنگ است، ما هم با شلیک یک موشک می‌گفتیم آماده جنگ هستیم. این به لحاظ استراتژیک است. هدف ما از نظر استراتژیک تحقق پیدا کرد.

۲۲ موشک به سمت عین الاسد رفته و هیچ کدام رهگیری نشده و از بین نرفته است و به لحاظ نظامی این موضوع اهمیت دارد که چگونه آمریکایی‌ها حتی یکی از اینها را نتوانستند رهگیری کنند؟

من از اتفاقی که افتاد (پاسخ موشکی ایران) خیلی راضی هستم. من